

صفات شهر اسلامی

از نگاه قرآن کریم

دکتر محمد نقی زاده

چکیده

خدای تعالی برای حل تمام مشکلات زندگی در قرآن کریم راهنمایی‌هایی را معمول کرده است. از آن جمله ویژگی‌های یک شهر اسلامی را به لحاظ معماری و شهرسازی نمایانده است. در این مقاله سعی شده است، این ویژگی‌ها از آیات قرآن استخراج و معرفی شود. عناوینی که در آن مورد بحث قرار گرفته است، عبارت است از: اصول و ارزش‌ها، صفات فعل الهی، طبیعت و عناصر طبیعی، تنظیم روابط اجتماعی، صفات محیط مصنوع، عناصر شهری و معماری.

کلید واژه‌ها: صفات شهر اسلامی، معماری اسلامی، شهرسازی اسلامی.

۱. مقدمه

آیات قرآن و احادیث رسیده از معصومین (ع) مسلمین را به وجود راه‌حلهای مشکلاتشان در کتاب الهی آگاه نموده و به دریافت و شناخت مبانی و اصول مذکور در قرآن مجید و اداره امورشان بر مبنای آن مبانی و اصول هدایت و تشویق می‌نمایند.

در قرآن کریم آمده است: «ولا حبة فی ظلمات الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب

مبین» [انعام ۵۹]: «...و هیچ دانه در زیر تاریکیهای زمین و هیچ تر و خشکی نیست، جز آنکه در کتاب مبین و قرآن عظیم مسطور است».

برخی از روایات مذکور عبارتند از:

- امام علی بن ابی طالب می فرماید: «در قرآن است خبر آنچه پیش از شماس است و خبر از آنچه بعد از شماس» [۱].

- امام صادق (ع) می فرماید: «هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر داشته باشند جز آنکه برای آن در کتاب خدا ریشه و بینادی است ولی عقلهای مردم به آن نمی رسد» [۲].

- امام صادق (ع) می فرماید: «خدای تبارک و تعالی در قرآن بیان هر چیز را فرو فرستاده تا آنجا که به خدا سوگند چیزی را از احتیاجات بندگان فروگذار نفرموده است تا آنجا که هیچ بنده ای نتواند بگوید ای کاش، این در قرآن آمده بود، جز آنکه خدا آن را در قرآن فرو فرستاده است» [۳].

یکی از مهمترین دستاوردهای فکری، فلسفی، هنری، صناعی و تولیدی تمدنها و جوامع بشری «شهر» است که هم از ماندگاری نسبی برخوردار می باشد، هم تجلی باورها و ارزشهای فرهنگی جامعه است و هم اینکه بر رفتار انسان اثر می گذارد و ضمن آنکه بیانگر هویت جامعه در انظار جهانیان و تاریخ است، تنظیم کننده روابط آحاد جامعه با یکدیگر نیز می باشد و بسیاری خواص دیگر که از ذکر آنها احتراز جسته و مطالعه در آنها به منابع مربوط ارجاع می گردد [۴].

نوشتار حاضر سعی خواهد داشت تا حتی الامکان بدون مراجعه به تفاسیر و روایات، و در حد ایجاز و اختصار، آن دسته از آیات قرآن کریم را که به نحوی به ساخت شهر مربوط شده و می توانند راهنمای دست اندرکاران مسائل شهری که مشتاق ایجاد شهر اسلامی هستند قرار گیرند در حد بضاعت اندک نگارنده معرفی نماید، تا در نهایت مشخص شود که با غور و تفحص و تدقیق در متون اسلامی امکان تبیین جملگی ویژگیها و مختصات شهر اسلامی میسر خواهد بود. با این تذکر که چون قرآن کتاب هدایت انسانها برای همه زمانها و مکانها می باشد، نیایستی انتظار

داشت که در مورد مسایل جزئی و مصادیق خاص هر زمان و مکان مثل ابعاد در و پنجره و مقدار زیر بنا و عرض معابر و امثالهم سخن گفته باشد؛ بلکه سخن در این است که این کتاب، اصولی لایتغیر را بعنوان سنت الله مطرح می نماید که در همه زمانها و مکانها و با روشهای مجاز و مصالح در دسترس قابل تجلی و اجرا باشند. با این تذکر مجدد که با غور در اصول مطروحه حتی امکان شناسایی درست جزئیات پیش گفته نیز فراهم خواهد آمد. به عبارت دیگر بهره گیری از قرآن کریم برای اداره امور به شکل یک فرایند ممتد خواهد بود که در صورت انقطاع و ترک اصول امکان بهره گیری کامل و جامع منتفی خواهد شد.

تذکر مهم دیگر اینکه این مقاله به هیچ وجه در پی ارائه ضوابط اجرایی و بیان جزئیات اجرا و ساخت شهر و عمارت نیست، که این کار به مطالعاتی وسیع و همه جانبه نیاز دارد که بایستی شرایط زمانی و مکانی و فنون در دسترس و توجه به جمله علوم مرتبط با محیط نیز در تصمیم گیری نهایی لحاظ شوند؛ بلکه نظر اصلی این است که فتح بابی بشود در اثبات اینکه می توان از کلام الهی و به تبع آن از سنت معصومین (ع) و تعالیم اسلامی در جهت تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی اسلامی بهره گرفت. به هر حال آن دسته از آیات الهی که می توانند و باید مبنای تدوین مبانی نظری معماری و شهرسازی قرار گیرند بدون هیچگونه تفسیری ارائه می شوند. ضمن آنکه بسیاری آیات دیگر نیز هستند که با مداقه و تفقه بیشتر امکان بهره گیری از آنها وجود دارد.

برای فصل بندی این مطالعه روشهای متفاوتی که به هر حال مبین عناصر و اعضای متشکله شهر و ارتباط آنها با یکدیگر باشند می توانند مورد استفاده قرار گیرند، که در این مقاله سعی شده است تا با توجه به تقسیم بندی آیات، عناوینی انتخاب شوند که حتی الامکان جامع موضوعات شهری و محیط بطور عام باشند، عناوین انتخابی عبارتند از: اصول و ارزشها، صفات فعل الهی، طبیعت و عناصر طبیعی، تنظیم روابط اجتماعی، صفات محیط مصنوع، و عناصر شهری و معماری.

۲. اصول و ارزشها

کتاب الهی معرّف اصول و ارزشهایی است که ضمن تسلط بر عالم وجود، رعایت آنها در اعمال و رفتار انسان نیز توصیه شده است. توجه و نزدیکی به این اصول و ارزشها و مرعی داشتن آنها در فعالیتهای انسانی عاملی در جهت شناخت الهی و همراهی با نظام حاکم بر عالم هستی خواهد بود.

در این مبحث به برخی اصول و ارزشهای مسطور در کتاب الهی اشاره خواهد شد، و در حد بضاعت از لزوم و نحوه تجلی آنها در شهر اسلامی سخن خواهد رفت.

این ارزشها و اصول نیز به نوبه خود تحت دو عنوان قابل تقسیم بندی هستند: یکی اصول خاص تفکر اسلامی مثل توحید و دیگری اصولی که به هر حال اصولی جهانی^(۱) بوده و همه مکاتب از آنها سخن می گویند؛ مثل: عدالت که در این مورد ارائه تعریف اسلام از آنها و تبیین وجه تمایز تفکر اسلامی با سایر مکاتب ضرورت دارد.

۲.۱. اصول اسلامی

همانگونه که ذکر شد، هر دین و مکتب و تفکری، اصول خاص خویش را داشته و در مورد مفاهیم مشترک نیز تعریف خاص خود را دارا می باشد، و طبیعی است که تعلیمات اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نباشد. غرض از اصول خاص هر دین الزاماً اصولی نخواهند بود که در سایر مکاتب از آنها نامی به میان نیامده باشد؛ بلکه اصولی است که به جهت ویژگیهای بارز آنها ذکر نام آنها مترادف با دین مورد نظر است. فی المثل توحید غالباً مترادف با اسلام شناخته می شود؛ چرا که بنا به تایید غالب محققین، مفهوم توحید در تفکر اسلامی با مفهوم توحید در سایر مذاهب کاملاً متفاوت و آشکار است.

برخی از این اصول عبارتند از:

الف. تسبیح: آیاتی از قرآن کریم بر این تکتہ تأکید می‌فرمایند که هر آنچه که در آسمانها و زمین است، به تسبیح خداوند تبارک و تعالی مشغول است؛ از جمله:

- **یسبح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شی الا یسبح بحمده و لکن لا تفقهون تسبیحهم انه کان حلیمًا غفورًا [سراء/ ۴۴]:** (هفت آسمان و زمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست، جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح او را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است).

- **الم تر ان الله یسبح له من فی السموات و الارض و الطیر صافات کل قد علم صلاته و تسبیحه [نور/ ۴۱]:** (... آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است، تا مرغ که در هوا پر گشاید، همه به تسبیح خدا مشغولند و همه آنان صلات و تسبیح خود بدانند).

- **هو الله الخالق الباری المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات و الارض و هو العزیز الحکیم [حشر/ ۲۴]:** (اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و جهانیان، نگارنده صورت خلقان. او را نامهای نیکوتر بسیار است و آنچه در آسمانها و زمین است، همه به تسبیح و ستایش (اوصاف) جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم).

لذاست که می‌توان گفت: یکی از مهمترین وظایف انسان در ایجاد محیط زندگی خویش آن است که عناصر و فضاهاى شهری و هر شیء انسان ساخته‌ای این تسبیح را به اهل شهر و به هر ناظر و تازه‌واردی القا نماید. به بیان دیگر شهر باید بتواند تجلیگاه و نمایشگر تسبیح الهی توسط همه اجزاء متشکله‌اش باشد.

ب. ذکر: با عنایت به معنای ذکر، یعنی، یادآوری، عناصر و فضاهاى شهری بایستی به عنوان عناصر تذکر دهنده عمل نمایند. به این معناکه هر شهر و هر جزئی از آن بایستی انسان را به اصول و ارزشهای فرهنگی و اسلامی متذکر گردد و آنها را در ذهن اهل خویش و هر ناظری یادآور باشد. برخی از آیات کتاب الهی که به اهمیت ذکر اشاره دارند، عبارتند از:

- و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین [ذاریات/۵۵] (و امت را تذکر ده که پسند و تذکر مؤمنان را سودمند افتد).

- الذین آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب [رعد/۲۸]: (آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه شوید که یاد خدا آرام بخش دل‌هاست).

- و هذا ذکر مبارک انزلناه افانتم له منکرون [انبیاء/۵]: (و این قرآن کتابی است با اندرز و تذکر و برکت بسیار که ما آن را (برای هدایت خلق) فرستادیم. آیا شما آن را انکار خواهید کرد؟)

عناصر و مفاهیم موجود در شهر که تذکر دهنده انسان به اصول و ارزش‌ها باشند، به طور اجمال متشکل از دو گروه طبیعی (آیات الهی) و انسان سناخته (سمبلها و نشانه‌ها) می‌باشند.

در ادامه این نوشتار به عناصر طبیعی یا آیات الهی اشاره خواهد شد؛ اما سمبلها و نشانه‌ها مشتمل بر فرمها و اشکال و آن دسته از عناصر شهری و اجزاء معماری می‌باشند که در طول تاریخ برای اکثریت آحاد جامعه معنا و مفهوم خصوصاً معنوی و روحانی خاص خود را دارند؛ مثل سیمای یک عنصر شهری همچون مسجد یا حسینیه، یا همجواری برخی عناصر شهری در یک مجموعه مثل مسجد و بازار و مدرسه و... یا اشکالی چون گنبد و قوس، یا طرحهایی چون طرحهای اسلیمی و یا حتی رنگها و بی‌رنگی‌هایی در شهر که می‌توانند ارزشهایی را برای مردم یادآوری نمایند.

به طور اجمال می‌توان گفت که آنچه از آیات قرآن کریم برمی‌آید، این است که انسان برای زندگی مادی این دنیا خلق نشده است: (اعلموا انما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و... [حدید/۲۰]: (بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و عیاشی و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر...)) و بایستی دقیقاً بدانند که زندگی واقعی او زندگی اخروی است و این دنیا محلی است برای کسب کمالات و سازندگی روح و جان آدمی، و فریب این زندگی را نخورده و از امکانات و

مواهب نه به عنوان هدف بلکه به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به حیات انسانی خویش بنگرد، لذاست که یادآوری این موضوع می‌تواند یکی از مهمترین موارد تذکر باشد [۵].

ج. تقوی: از اصولی که ملبس شدن به آن لازمه حیات روحانی و معنوی و اسلامی انسان و همچنین تنظیم کننده فعالیت‌های مادی او می‌باشد، اصل تقوی است که تعالیم اسلامی مشحون از مباحث متفاوت و متنوع در مورد آن می‌باشد. این لباس و ارزش به حدی تعیین کننده است که خداوند تبارک و تعالی تنها وجه امتیاز و کرامت انسانها بر یکدیگر را تقوی ذکر می‌فرماید: **يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقیکم ان الله علیم خبیر [حجرات/۱۳]**: (ای مردم ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید. بزرگوارترین شما نزد خدا با تقواترین مردمند و خدا از حال شما کاملاً آگاه است) و حضرت مولی الموحدین تقوای الهی را در کنار و مقدم بر نظم و به هم پیوند دادن امور زندگی قرار داده می‌فرماید: شما و فرزندان و اهل بیتم و هر که را که نامه‌ام به او می‌رسد سفارش می‌کنم به تقوی و ترس از خدا، و مرتب کردن و بهم پیوستن (نظم) کارتان [۶]. اهمیت تقوی به حدی است که اصولاً شرط بهره‌مندی از هدایت قرآن کریم تقوی می‌باشد: **ذلک الكتاب لاریب فیه هدی للمتقین [بقره/۲]**: (این کتاب بی هیچ شک راهنمای پرهیزکاران است). و بسیاری اعمال و نواهی مذکور در تعالیم اسلامی در جهت متقی شدن انسان می‌باشد؛ از جمله، عبادت خداوند [بقره/۲۱]، ذکر و یادآوری [بقره/۶۳]، برپایی قضاص [بقره/۱۷۹]، روزه داری [بقره/۱۸۳] و تبعیت از صراط مستقیم الهی [انعام/۱۵۳]، از اعمالی هستند که انجام آنها در جهت ملبس شدن انسان به لباس تقوی می‌باشد [۷]. بنابراین می‌توان گفت که شهر اسلامی بایستی بتواند زمینه رشد تقوای الهی را در انسانها فراهم نموده و از هر آنچه که امکان بروز گناه و خدشه به تقوای الهی را سبب شود جلوگیری به عمل آورد تا شهر بتواند محل نزول برکات الهی باشد، که در کتاب الهی آمده است: **ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من**

السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون [اعراف/ ۹۶]: (چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند، ما درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم و لیکن چون «آیات و پیغمبران ما را» تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر کردار زشت رساندیم). علی ای حال تنها در صورت وجود و بکار بستن تعلیمات اسلامی در ایجاد محیط مصنوع و تنظیم روابط انسان با سایر همنو عانش و با محیط طبیعی و با محیط مصنوع بر اساس این تعلیمات و اصول و تقلیل زمینه بروز گناه در مجتمع های انسانی فراهم خواهد آمد.

د. وحدت: توحید به عنوان اصل اساسی اسلام، بنا به اذعان اکثریت محققین در علوم و هنرها و تمدن اسلامی، در هدایت جنبه های مختلف این تمدن نقشی اساسی ایفا نموده است. لذاست که می توان گفت که جامع جملگی صفات و اصولی که ذکر شد، وحدتی است که بتواند تجلی و یادآور وحدانیت الهی باشد. اصل وحدت به عنوان تجلی تفکر توحیدی مسلمین، از مقولاتی است که در علوم و فنون و هنرهای مختلف مورد توجه مسلمین بوده است. برای مثال در مورد تأثیر تفکر توحیدی بر هنرهای مسلمین بورکهاردت را عقیده بر این است که: «میراث عظیم هنری، چه از میان رفته و مورد غفلت قرار گرفته باشد، چه مجدداً قابل کشف باشد یا نباشد، هنر سنتی است، هنر سنتی نه به مثابه یک شی بلکه به عنوان یک روش که مهارت فنی را با شهودی معنوی که از «توحید» سرچشمه می گیرد، در هم می آمیزد» [۸]. بنابراین نمایش وحدت را در بسیاری موارد می توان مطرح نمود. وحدت جامعه، وحدت در مصنوعات انسان، وحدت بین مصنوعات انسان و طبیعت، وحدت بین نیازهای انسان و محیط، و شاید از همه مهمتر وحدت یا توجه متعادل بین نیازهای معنوی و مادی انسان در شهر [۹]، مراتب مذکور در وحدت، جملگی تقلید و الگو برداری از وحدت و نظمی است که خداوند تبارک و تعالی در خلقت عالم وجود به ودیعت نهاده است. «الذی خلق سبع سموات طباقاً ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور • ثم ارجع البصر کترین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر [ملک/ ۳/ ۴]: آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در

نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت بارها به دیده‌ی عقل در نظام مستحکم آفرینش بنگر تا هیچ سستی و خلل در آن توانی یافت ● باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد زبون و خسته (نقص نیافته) به سوی تو باز گردد (و بحسن نظام الهی بینا شده).

از طرف دیگر وحدتهای موصوف، بویژه در ارتباط با انسان و محیط (اعم از محیط طبیعی و محیط مصنوع) مفهوم ایجاد تعادل و توجه به جنبه‌های مختلف به طور هماهنگ و متوازن مطرح است. به هر حال شهر مسلمین می‌تواند و باید نمایشگر جملگی مراتب و درجات وحدت باشد که مختصات عمده آن عبارتند: از تعادل، هماهنگی، توازن، هدف واحد و بسیاری اصول که حاصل آنها بر شناخت وحدت الهی و تقویت وحدت جامعه تأثیر مثبت خواهد داشت [۱۰].

۲.۲. اصول جهانی

اصول جهانی اصولی هستند که غالب مکاتب و ادیان از آنها سخن گفته و توجه به آنها را مؤکداً توصیه و تأکید نموده‌اند. نکته در این است که هر مکتبی بایستی ویژگیهای این اصول را براساس مبانی و تعلیمات خویش تبیین نماید تا پیروان او بتوانند نحوه بکار بستن آنها را در زندگی خویش دریابند. ذیلاً به برخی از این اصول اشاره خواهد شد، و این در حالی است که بسیاری از اصولی که در ادامه خواهند آمد می‌توانند در همین تقسیم‌بندی قرار گیرند که به جهت احتراز از دوباره‌گویی، از ذکر آنها در این مبحث خودداری می‌شود.

الف. نظم: نظم از موضوعات اساسی مورد توجه جملگی ملل در سامان دادن به امور جامعه و از جمله ایجاد محیط زندگیشان می‌باشد. لذاست که مهمترین عاملی که می‌تواند وجه تمایز نظم در جوامع مختلف را روشن نماید عبارت از تبیین ویژگیهای آن می‌باشد. فی‌المثل، نگاهی ظاهربینانه به نظم سبب می‌شود تا بسیاری

افراد، شهرهای مسلمین را علیرغم آنکه آنها را دارای بافتی اندامواره^(۱) می‌شمارند، شهرهایی بی‌نظم معرفی کنند. این اظهار نظر دقیقاً ناشی از عدم آگاهی آنان به شهر و اصول حاکم بر نظمی است که شهر بر پایه آن استوار شده است. آیا ارگانیک بودن، در حالی که «اندام» یکی از پیچیده‌ترین نظمها را به خود اختصاص داده است نشانه بی‌نظمی است؟ و این مانند آن است که کسی با نگاهی به آسمان و مشاهده ستارگان، استقرار آنها را تابع نظمی نشمارد و جایگیری هر کدام در مکان خویش را اتفاقی بپندارد. به جهت اجتناب از تکرار مطالب و نظر به اینکه هر نوع نظم و منشأ فکری آن را بایستی از صفات آن شناخت، و بر نظم برآمده از تعلیمات اسلامی نیز صفاتی همچون تعادل و اندازه و حد و حساب و امثالهم مترتب است و این صفات در ادامه تحت عنوان «صفات فعل الهی» مورد اشاره قرار خواهند گرفت؛ از این رو از ذکر آنها در این مبحث خودداری می‌شود [۱۱].

ب. زیبایی: زیبایی از آن مفاهیمی است که همه مکاتب فکری به آن توجه جدی مبذول داشته و جملگی در پی ارائه تعریفی از آن بوده و همچنین مدعی شناختن مختصات آن می‌باشند. با استناد به حدیث معروف «ان الله جمیل و یحب الجمال^(۲)» مسلمین همواره در فرایند خلق آثارشان سعی در زیباآفرینی داشته‌اند. نکته مهم در این است که اولاً جنبه‌های مختلف زیبایی (معنوی و مادی) مورد توجه قرار گیرند، ثانیاً سایر موضوعات و مفاهیم مانند ارزش، لذت، تعجب، شگفتی، و عالی بودن [۱۲]، با زیبایی خلط و اشتباه نشوند و ثالثاً مفاهیم و درجات مختلف زیبایی و یا سایر واژه‌های مشابه مانند قشنگ، خوشگل و امثالهم مورد توجه قرار گیرند. نکته مهم این است که باید توجه نمود تا زیبایی یا زینت شیطانی، جایگزین زیبایی الهی و معنوی نگردد؛ زیرا احتمال اینکه انسان در این وادی قرار گیرد، وجود دارد.

شیطان خود می‌گوید: «قال رب بما اغویتني لازیتن لهم فی الارض ولاغویهم اجمعین. الا عبادک منهم المخلصین [حجر/ ۴۰ و ۳۹]: (شیطان گفت: خدایا چنانچه مرا

1. Organic

۲. خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

گمراه کردی من نیز در زمین (همه چیز را) در نظر فرزندان آدم جلوه (زینت) میدهم و همه آنها را گمراه خواهم کرد* بجز بندگان پاک و خالص تو را).

پس انسان بایستی همواره مترصد باشد تا زیبایی حقیقی و معنوی و روحانی را از زینت و زیبایی شیطانی باز شناسد تا گمراه نشود. آیات متعددی از قرآن مجید زیباییها را به خدا نسبت می دهد و حتی محروم کردن انسانها از زیبایی را مورد توبیخ قرار می دهد. از آن جمله می فرماید: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق قل هي للذين امنوا في الحيوٰة الدنيا خالصة يوم القيامة [اعراف/۳۱]: (بگو چه کسی زینت الهی و روزی های پاکیزه را که برای بندگانش بر آورده، حرام کرده است؟ بگو آن در زندگانی دنیا برای مؤمنان است و نیز خالص آن در روز رستاخیز).

علامه طباطبایی در تعریف زینت می فرماید: زینت هر چیز زیبا و دوست داشتنی است که ضمیمه چیز دیگری شده، به آن زیبایی می بخشد و مرغوب و محبوب قرار می دهد. طالب زینت به طمع رسیدن به آن حرکت می کند و در نتیجه از فواید آن چیز هم منتفع می شود [۱۳].

یکی از مشکلات انسان امروز در این است که تحت تأثیر تبلیغاتی که مروج مصرف گرایی و مدگرایی است، حس زیبایی شناسانه و حتی معیارهای زیبایی را کاملاً از دست داده و یا در بهره گیری از آنها عاجز مانده است. لذاست که یکی از مهمترین وظایف برنامه ریزان و طراحان و تصمیم گیرندگان مسایل شهری اهتمام در به نمایش در آوردن زیبایی حقیقی و الهی و حذف و امحاء زشتیها و پلیدیها و زینتهای شیطانی در کلیت شهر و از جمله سیما و کالبد آن می باشد.

ج. امنیت: واژه امن در تعالیم قرآنی در برابر خوف [نساء/۳۶] و از نتایج شرک و رزیدن [انعام/۸۱] و آلودن ایمان به ظلم بکار رفته است.

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه ۵۵ سوره نور می فرماید: «این آیه به مؤمنین وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کنند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جایگزین ترس می کند. [۱۴]

به این ترتیب مشخص می‌شود که امنیت یکی از مختصات معنوی مهم جامعه اسلامی است و آن را در زمینه‌های مختلف می‌توان مورد مطالعه قرار داده و راههای فراهم آوردن هر کدام را برای شهر و ندان شناسایی و آنها را در شهر اسلامی به منصه ظهور رساند. اهمیت امنیت و ایمنی در جامعه مسلمین به حدی است که اولین وظیفه مسلمین در تماس با یکدیگر القاء این مطلب به طرف مقابل است و در این راستا ابتدایی‌ترین راه القاء امنیت، سلام است [۱۵].

اهمیت امنیت برای شهر و شهر و ندان به حدی است که خداوند تبارک و تعالی به هنگام قسم یاد کردن به شهر (مکه) آن را به صفت امین یاد می‌فرماید: و هذا البلد الامین [تین/۸]: (و قسم به این شهر امن و امان (مکه معظمه)

امنیت در جامعه و شهر اسلامی مشتمل بر ابعاد متفاوتی است که از اهم آنها عبارتند از: امنیت اجتماعی، امنیت در مقابل هجوم بیگانه، امنیت در مقابل بلایای طبیعی، امنیت در مقابل عوارض فعالیت‌های انسان (انواع آلودگی‌های محیطی صوتی و بصری)، امنیت در مقابل وساوس شیطانی و مصرف‌گرایی و رقابت‌های مادی، امنیت روانی در مقابل ساخته‌های انسان و امنیت ضعف‌ها در برابر اقویا (فی المثل امنیت پیاده در مقابل سواره).

د. عدل: صفت عدل علیرغم اهمیت آن، از آن جهت در انتهای اصول ذکر گردید که ذهن به مرور متوجه اهمیت آن شده و خواننده دریابد که هر آنچه نوشته شد و نگاشته خواهد شد، جنبه‌هایی از تجلی عدل است. آیات متعددی از قرآن کریم مسلمین را به رعایت عدل توصیه نموده است. از جمله این آیات عبارتند از:

- یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط و لا یجرمنکم شئنا ان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی و اتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون [مانده/۸]: (ای اهل ایمان در راه خدا پایدار و استوار بوده و (بر سایر ملل عالم) شما گواه عدالت و راستی و درستی باشید و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید. عدالت کنید که عدل به تقوی از هر عمل نزدیکتر است و از خدا بترسید که خدا

البته به هر چه می‌کنید آگاهست).

- قل امر ربی بالقسط و اقموا وجوهکم عند کل مسجد و ادعوه مخلصین له الدین کما بدأکم تعدون [اعراف/ ۲۹]: (بگو ای رسول ما پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده و نیز فرموده که در هر عبادت روی به حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص بخوانید که چنانچه شما را در اول بیافرید، دیگر بار به سویش باز آید).

عدالت منحصر به عدالت قضایی و اجتماعی نیست. مفهوم عدل به عنوان صفت بارز فعل الهی مفهوم بسیار والایی است که اساس خلقت عالم وجود و برپایی و تداوم هستی کائنات است. نقش عدل در ایجاد شهر مناسب زیست مسلمین و تداوم حیات آن، دارای نقشی بسیار حساس و حیاتی است. رعایت عدل نافذ ایجاد قطبهای شهری بر مبنای درآمد و ثروت مردم و معیارهای مادی است.

توزیع عادلانه امکانات شهری و فراهم آوردن امکان دسترسی متعادل ساکنین به آنها مورد مهم دیگری است که مرعی داشتن آن نشانه تجلی عدل در شهر است. استقرار و مکان‌یابی مناسب هر عنصر و فضای شهر و ارتباط منطقی و مناسب آنها با یکدیگر نیز موضوعی است که ریشه در رعایت عدل دارد [۱۶].

۳. صفات فعل الهی

افعال انسان، با توجه به باورها و الگوهایی که برای خویش انتخاب می‌کند، به ویژگی‌هایی متصف می‌شود. بنا به تعالیم اسلامی انسان خلیفه خداوند در زمین است: "و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه" [بقره/ ۳۰]; بر این اساس اعمال انسانی بایستی به صفات فعل الهی متصف باشند تا شرط امانتداری در خلافت رعایت گردد.

یکی از افعال مهم انسان تغییراتی است که در محیط می‌دهد که قسمتی از آن به صورت محیط و فضای زندگی در زمین ظهور می‌یابد. ذیلاً به برخی صفات که بایستی بر این فرایند حاکم باشند، اشاره می‌شود.

۳.۱. تعادل

۱۷

تعادل مناسب در محیط زندگی، فی الواقع، تجلی و نتیجه رعایت عدل در اعمال و فعالیت‌های فردی و جمعی جامعه است. واگذاری و توجه متعادل و مناسب به همه جنبه‌های زندگی و اصول و ارزش‌هایی که بایستی بر آن حاکم باشند، زمینه‌ساز ظهور جامعه‌ای متعادل خواهد بود. تعادل موجود در عالم وجود، می‌تواند و باید به عنوان الگویی مورد نظر و توجه انسان باشد.

یکی از مشکلات مهم شهرهای امروز خروج از تعادل و تمرکز بر جنبه‌های مادی حیات انسان است. از میان جنبه‌های مادی نیز متأسفانه در بسیاری موارد، توجه به سرمایه در رأس سایر امور قرار گرفته است و همه فعالیتها در جهت کسب حداکثر درآمد اقتصادی است.

تعادل در محیط زندگی را در بسیاری جنبه‌ها و مقولات می‌توان جستجو نمود، از جمله این مقولات عبارتند از:

تعادل در توجه به عناصر و عملکردهای پاسخگو به نیازهای معنوی و روانی و مادی انسان در شهر؛

تعادل بین مختصات محیط طبیعی و محیط مصنوع؛

تعادل بین محیط مصنوع و ویژگیهای روانی و فیزیکی انسان؛

تعادل در توزیع امکانات عمومی.

۳.۲. اندازه

آیاتی از قرآن کریم، از اندازه در خلقت (فعل) الهی سخن گفته است که برخی از آنها عبارتند از:

و خلق کل شیء فقدره تقدیرا [فرقان/۲]؛ (و او همه موجودات را خلق کرده و به حکمت کامل و تقدیر ازلی خود قدر (اندازه) هر چیز را معین فرموده است).

- وان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم [حجر/۲۱]؛ (و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزینه آن نزد ماست؛ ولی از آن بر عالم خلق الا به قدری

معین که مصلحت است، نمی فرستیم).

...ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیء قدراً [طلاق/۳]: (خدا امرش (بر همه عالم) نافذ و روانست و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است).
اندازه نیز از مقولاتی است که مرعی داشتن آن در طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، حرکتی به سمت ایجاد تعادل در محیط‌های شهری می‌گردد. اندازه نگهداشتن، در واقع، تعیین‌کننده و مروج الگوی مصرف مناسب برای همه چیز در شهرهاست. علاوه بر آن توجه به اندازه، لزوم رعایت تناسب‌های مختلف را در زمینه‌های عملکرد و شکل‌ها و ارزشها و ابعاد ضروری می‌سازد و نهایتاً اینکه توجه به اندازه، امکان تحصیل همه آنچه را که در بخش تعادل ذکر شد، فراهم می‌نماید.

۳.۳. حد

امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید که خداوند تبارک و تعالی حدود اشیاء را هنگام آفریدن هر یک تعیین فرمود تا خود از شبیه و مانند بودن به آنها امتیاز داشته باشد [۱۷]. لذاست که می‌توان گفت که یکی از مهمترین ویژگی‌های عناصر، عملکردها و فضاهای شهر اسلامی عبارت از تعریف و تعیین حدود آنها به وضوح و روشنی است؛ به گونه‌ای که هرگونه شبهه‌ای در نامحدود بودن آنها متفی گردد.

علاوه بر این بی‌حد و مرز بودن و اختلاط عملکردها و فضاهای شهری مشکلات عدیده‌ای را در استفاده از آنها برای ساکنین شهر فراهم خواهد آورد. بی‌حد و مرز بودن فضاها یا تعریف حدود و مرزها با خطوط یا سطوح و احجام شفاف در بسیاری موارد، علاوه بر عدم توجه به مبانی نظری و عقیدتی جامعه و تسریع روند اضمحلال معانی و نشانه‌ها و رموز فرهنگی در شهرها، سبب از بین رفتن خلوت و آرامش مورد نیاز افراد ساکن در یک فضای خاص تعریف شده، توسط کسانی خواهد شد که از نظر فیزیکی در آن فضا نیستند؛ لکن امکان ارتباط بصری، بویایی، شنوایی و روانی با فضای مورد نظر را دارند. بی‌حد و مرز بودن فضاها و وجود ارتباط بصری، بویایی، شنوایی و روانی فضاهای مختلف و متفاوت با یکدیگر، اگر چه که فضاها به طریق

قانونی یا عرفی از یکدیگر تفکیک شده باشند، مروج تفکراتی چون خودنمایی، تفاخر و تفرعن، برهنگی، فردگرایی، مصرف‌گرایی، مدگرایی و مانند آنها می‌باشد که از ره‌آوردهای مکاتب سکولاریستی و مدرنیستی قرن حاضر است.

۳.۴. توازن

آیه مبارکه والارض مددناها والقینا فیها رواسی وانبثنا فیها من کل شیء موزون [حجر ۱۹]: (و زمین را هم بگسترده‌ایم و در آن کوههای عظیم بر نهاده‌ایم و از آن هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویانیدیم)، اشاره به توازن و موزون بودن جهان دارد.

توازن یکی از صفات فعلی الهی و اصولی که می‌تواند در جهت تکمیل تعادل ایفای نقش نماید. توجه به این مقوله در ایجاد شهر اسلامی ضرورت تام دارد. در محیط شهری، وزن و ارزش هر عنصر و عملکرد شهر بایستی تعیین شده و متناسب با سایر عناصر و عملکردها باشد.

خروج از توازن عامل خروج از تعادل و بالنتیجه پیدایش بی‌عدالتی در شهر است. علاوه بر مسایل کالبدی توازن و تعادل عوامل مهمی در بروز و تجلی زیبایی هستند. به اجمال می‌توان گفت که هر چه را که موزون و متعال باشد و هدف از وجود خویش را به بهترین نحو به منصفه ظهور رساند، می‌توان زیبا نامید. به عبارت دیگر این اصل نیز همچون غالب اصول دیگر به نحوی می‌تواند، زیر مجموعه اصل اساسی عدل یا تعادل به شمار آید.

از صفات دیگر فعل الهی حُسن [سجده ۷]، حساب [یونس ۵]، حق بودن [ابراهیم ۱۹] است که در بخشهای دیگر از آنها سخن رفته است.

۴. طبیعت و عناصر طبیعی

تعالیم قرآنی عناصر طبیعی را آیات و نشانه‌های قدرت و علم الهی و ابزار و وسیله شناخت اصولی چون توحید و معاد می‌شمارد. همه اینها لزوم ارتباطی نزدیک و

مداوم بین انسان و طبیعت را ضروری می‌نماید تا امکان بهره‌گیری از این آیات الهی و تفکر در آنها فراهم آید.

برخی از آیاتی که از عناصر طبیعی و نقش آنها در حیات و زندگی مادی و معنوی انسان سخن گفته‌اند، به این قرار است.

۴.۱. نور

نور پدیده‌ای است که در تعالیم قرآنی به عنوان نماد و نشانه بسیاری وجود و مفاهیم والا و زیبا معرفی می‌گردد؛ از جمله:

- خداوند: الله نور السموات و الارض.... [نور/۳۵]: (خدا نور «وجود بخش» آسمانها و زمین است...)

- پیامبر اکرم (ص): یا اهل الكتاب قد جائکم رسولنا بین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الكتاب و یعفوا عن کثیر قد جائکم من الله نور و کتاب مبین [مائده/۱۵]: (ای اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) را پنهان می‌دارید، برای شما بیان کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما) درگذرد. همانا از جانب خدا برای هدایت شما نوری و کتابی آشکار آمد).

- قرآن: فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا و الله بما تعملون خبیر [تغابن/۸]: (پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نوری که «در آیات قرآن» فرستاده‌ایم، بگروید و خدا به هر چه کنید، آگاه است).

- هدایت و ایمان: الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور.... [بقره/۲۵۷]: (خدا یار اهل ایمان است. آنان را از تاریکی‌های بیرون می‌آورد و به عالم نور می‌برد...).

- بینایی: و ما یتوی الاعمی و البصیر* و لا الظلمات و لا النور [فاطر/۱۹ و ۲۰]: (و هرگز «کافر تاریک جان» کور با «مؤمن روشن روان» بینا یکسان نیست* و تاریکی‌ها با نور مساوی نخواهد بود).

بنابراین باید توجه کرد که فضاهای شهری بتوانند اولاً به طور مناسب از نور بهره ببرند و ثانیاً به طرق مناسب انسانها را متوجه نور سازد؛ چراکه اگر فی‌المثل انسان در

محیطی کاملاً نورانی قرار گیرد که نه منابع نور مشخص باشند و نه حتی سایه‌ای وجود داشته باشد، متوجه نور نخواهد بود. لذاست که با ایجاد درجات مختلف نورانیت و بهره‌گیری از جهات مختلف برای تابش و تکنیکهای دیگر می‌توان مداوماً انسان را به وجود نور متذکر گردید. فقدان نور نیز سایه است که خود معانی و الایی را در خود مستتر دارد.

۴.۲. باد

باد (هوا) علاوه بر نقشی که در تداوم حیات بسیاری از موجودات موجود در کره زمین دارد، نقشهای مهمی نیز در تنظیم شرایط اقلیمی (حرکت ابرها)، انتقال آلودگیها، تلقیح گیاهان، بشارت دهندگان رحمت الهی، آیه الهی بودن، و همچنین نزول عذاب الهی دارد.

برخی از آیات بیان‌کننده ویژگیهای باد عبارتند از:

- و ارسلنا الریاح فائزلنا من السماء ماء فاسقینا کموه و ما انتم له بخازنین [حجر/۲۲]؛ (و ما بادهای آبستن‌کن رحم طبیعت را فرستادیم و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیدیم (و گرنه) شما نمی‌توانستید، در منبع سازید).
و هو الذی ارسل الریاح بشرأ بین یدی رحمته.... [فرقان/۴۸]؛ (و او خدایی است که بادهارا برای بشارت پیشاپیش رحمت خود فرستاد...).

وفی عاد اذا ارسلنا علیهم الریح العقیم [ذاریات/۴۱]؛ (و نیز در قوم عاد که بر هلاکشان تندباد خزان فرستادیم، عبرت خلق است).

لذاست که باید در ساخت و توسعه شهرها و جهت‌های وزش باد و به شدت و تواتر آن در ایام مختلف توجه نمود. ضمن آنکه نحوه استقرار و جهت‌گیری ابنیه و تنظیم ارتفاع عمارت و مکان‌یابی ساختمانهای کوتاه و مرتفع در نقاط مختلف هر شهری به همراه توجه به جهت معابر و نسبت به تناسبات بین فضاهای باز و ساخته شده مواردی هستند که در رابطه با مختصات باد باید مورد ارزیابی جدی قرار گیرند.

۴.۳. آب

در قرآن کریم آمده است: وجعلنا من الماء كل شيء حي [النبياء/ ۳۰]: (و از آب هر چیز زنده‌ای را پدید آوردیم).

این آیه معانی نمادین والایی را در خویش مستتر دارد، از جمله:

بهشت: و بشر الذين امنوا و عملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار... [بقره/ ۲۵]: (و مرزده ده‌ای پیغمبر کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکار شدند. به یقین آنها راست باغهایی که در آنها نهرهای آب جاری است).

زندگی: ... و ما انزل الله من السماء من رزق فأحيا به الارض بعد موتها [جاثیه/ ۵]: (و آنچه خدا از آسمان برای روزی خلق از برف و باران می‌فرستد و زمین را پس از (خزان) مرگ دیگر بار زنده می‌سازد...).

پاکی: ... و انزلنا من السماء ماء طهورا [فرقان/ ۴۸]: (و از آسمان آبی طاهر و مطهر برای شما نازل کردیم).

زیبایی و آبادانی: وهو الذي انزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شيء فأخرجنا منه خضراً نخرج منه حبا متراكبا و من النخل من طلعها قنوان دانية و جنات من اعناب و الزيتون و الرمان مشتبها و غير متشابه انظروا الى ثمره اذا اثمر و ينعه ان في ذلكم لآيات لقوم يؤمنون [انعام/ ۹۹]: (و هم اوست خدایی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات بدان برویانیم و سبزه‌ها را از زمین برون آریم و در آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و از نخل خرما خوشه‌های پیوسته به هم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی مشابه یکدیگر و برخی نامشابه به هم است، خلق کنیم. شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید که در آن آیات و نشانه‌های قدرت خدا برای اهل ایمان هویدا است).

رافع عطش: ... فانزلنا من السماء ماء فاسقينا كموه... [حجر/ ۲۲]: (... و هم باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب، شما و نباتات و حیوانات شما را سیراب گردانیم...).

بنابر آنچه آمد، می‌توان تماس با آب، این عنصر نمادین و حیاتبخش را به صورت‌های جاری و ساکن در فضاها و مختلف شهری توصیه نمود.

۴.۴. خاک

خاک، ماده اولیه خلقت انسان و همچنین جایگاه نهایی بدن انسان، از عناصری است که تقریباً همه نیازهای مادی انسان را در خویش نهفته داشته و آنها را به انسان می‌رساند. از طرف دیگر در برخی موارد همچون تطهیر (وضو و غسل) می‌تواند، جایگزین آب و عامل پاکی و آمادگی انسان برای انجام فرایض دینی‌اش شود. خاک سجده‌گاه انسان است و تماس با آن بدان حد اهمیت دارد که در مواردی بجای آب قرار داده شده‌است؛ لذاست که از بسیاری جنبه‌های آن می‌توان بهره‌گرفت. ساده‌ترین راه ایجاد تماس با آن در باغها و بوستانهای عمومی شهری و فضاهای باز خصوصی و عمومی است.

۴.۵. سایر عناصر

عناصر دیگر مانند گیاهان، جانوران، کوهها، آسمان و آنچه در آن است مانند ماه و خورشید و ستارگان [ق/۱۰-۶] برای شهر باید این‌گونه باشد که محیط به گونه‌ای ساخته شود که بهره‌گیری از این عناصر و تماس با آنها در حد لازم ممکن گردد. اینها نه تنها برکات مادی دارند؛ بلکه عاملی در جهت تقویت تفکر و تذکر هستند. همچنین عوامل آگاهی به زمان و مکان و جهت نیز هستند [یونس/۳].

ممکن است این ایراد مطرح شود که برخی از این عناصر طبیعی، دور از دسترس انسان بوده و نمی‌توانند نقشی در شهرسازی ایفا نمایند.

در پاسخ می‌توان گفت که موضوع مهم، فراهم آوردن امکان رؤیت آنها و همچنین بهره‌گیری از ویژگیهایشان چون نور و موقعیت و درک زمان و تأثیرشان بر زمین و انسان و سایر موارد مشابه است. این توجه، فی‌المثل در این موارد تأثیرگذار است: میزان استفاده از نور مصنوعی در ابنیه، در ابعاد و اندازه و جهت بازشوها؛ نوع انرژی حرارتی و برودتی؛ تعیین درجه آلودگی جوی، و در بسیاری موارد دیگر.

۴.۶. قوانین طبیعی

قوانین حاکم بر عالم طبیعت و حاصل اعمال این قوانین اولاً در متون اسلامی به

عنوان آیات علم و قدرت و وحدانیت الهی برای تفکر و تعقل و تذکر و تفقه و تدبیر مورد اشاره قرار گرفته‌اند و ثانیاً همواره الگوی انسانهای آگاه بوده‌اند.

اهم این قوانین عبارت است از: وحدت، تعادل، نظم، هماهنگی، زیبایی، توازن، حساب، اندازه و امثالهم که پیش از این ذکر آنها به میان آمد.

۵. تنظیم روابط اجتماعی

یکی از روابط مهمی که انسان با جهان خارج از خویش برقرار می‌نماید [۱۸]، ارتباط او با سایر هموعاش در جامعه می‌باشد. برای تنظیم این روابط در سطح شهر می‌توان از تعالیم قرآنی دستورالعملهایی را استخراج نمود که به عنوان مبانی نظری برنامه‌ریزی روابط انسانها و ایجاد محیطی که بتواند تقویت‌کننده و تجلیگاه این روابط بوده و از خلل و خدشه در آنها پیشگیری نماید، مورد استناد و استفاده قرار گیرد.

شهرها، توسط سازمان فضایی خاص خود، تنوع عناصر شهری، نوع پراکندگی و ارتباط عناصر شهری، نوع ارتباطاتی که بین آحاد جامعه بوجود می‌آورند، سلسله مراتب بین فضاهای مختلف شهر مشتمل بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی، و وحدت کالبدی و فضایی شهر، نقش بسیار مهمی در تنظیم روابط اجتماعی و ارتباطاتی که هر فرد با جامعه خویش دارد ایفا می‌نمایند. اینک به آن دسته اصول و ارزشهایی که بر شکل‌گیری عناصر و فضاهای شهری در ارتباط با نحوه تماس آحاد جامعه تأثیر دارند اشاره خواهد شد.

۵.۱. وحدت جامعه

وحدت جامعه اسلامی از مقولات مهمی است که تعالیم قرآنی بر آن تأکید ورزیده و مسلمین را به آن دعوت و ترغیب نموده است. برای این وحدت نیز مختصات رابر شمرده و عواملی را نیز باعث تقویت آن شمرده است از جمله:

تمسک به ريسمان الهی: واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله

علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا... [آل عمران/۱۰۳]: (و همگی به رشته دین خدا جنگ زده و به راههای متفرق نروید و به یاد آرید، این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید و خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید...).

همکاری بر مبنای تقوی: ... و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان... [مائده/۲]: (... و باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید؛ نه بر گناه و ستمکاری...).

عبادت خدا: ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون [نساء/۹۲]: (اکنون طریقه واحد و دین یگانه شما آیین پاک اسلام است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم؛ پس تنها مرا پرستش کنید).

امر به معروف و نهی از منکر: ولکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون [آل عمران/۱۰۵]: (و باید از شما مسلمانان برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند، در عالم در کمال فیروزبختی و رستگاری خواهند بود).

سیر در صراط مستقیم الهی: و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوه و لاتتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم و صیکم به لعلکم تتقون [انعام/۱۵۳]: (و این است راه راست. از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که موجب تفرقه و پریشانی شماست، متابعت نکنید. این سفارش خدا به شماست. باشد که پرهیزکار شوید).

برادری: انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوا الله لعلکم ترحمون [انبیاء/۹۲]: (به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند؛ پس همیشه بین برادران (ایمانی) خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید. باشد که مشمول لطف و رحمت الهی قرار گیرید).

بنابراین تنظیم روابط اجتماعی به نحوی که سبب تقویت وحدت جامعه شود، از مواردی است که توجه جدی را طلب می‌نماید. یکی از عواملی که می‌تواند روابط

آحاد یک جامعه را به سمت اهداف و ارزشهای مورد انتظار آن جامعه هدایت نماید، محیط زندگی و فضاهایی است که ارتباطات اجتماعی و تماسهای مردم با یکدیگر در آنها رخ می‌دهد. این فضاها و همچنین سازمان فضایی شهرها و ارتباط عناصر شهری با یکدیگر می‌توانند تأثیر بسزایی در افزایش تماسهای مناسب اجتماعی یا تقلیل آنها داشته باشند که به هر حال بر میزان احساس یگانگی جامعه نقش دارند.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر وحدت جامعه عبارت از میزان امکان تماسهای رو در رو بین آحاد جامعه است که در مکانهای مختلفی چون کوچه، خیابان، مسجد، بازار، میدان و سایر امکنه عمومی و در مراسمی چون نماز جمعه، نماز جماعت، مراسم فرهنگی، مراسم ملی، اعیاد و جشنها، ورزشهای جمعی، و حتی تجمعات دیدارهای اتفاقی امکان آن افزایش می‌یابد. پس توجه به فضاها و مکانهایی که در تقویت وحدت مورد نظر تعالیم اسلامی مؤثرند، در برنامه‌ریزی و طراحی شهر اسلامی نقشی شایان توجه ایفا نموده و بایستی مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار داشته باشد.

۵.۲. حقوق همسایگان

از موارد مهمی که ضمن تأثیر بر کاهش رفتارهای ناهنجار اجتماعی، در افزایش روحیه تعاون و احترام به یکدیگر و همچنین در تنظیم روابط صحیح اجتماعی تأثیر دارند، رعایت حقوق همسایگان و به عبارتی تنظیم روابط همسایگان است. آیات زیر را می‌توان از آیاتی شمرد که بر تنظیم این روابط اشاره دارند.

... ولانجسوا ولا یفتب بعضکم بعضا... [حجرات/۱۲]: (و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و غیبت یکدیگر را روا مدارید...).

- قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون [نور/۳۰]: (ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشمهای خود را «از نگاه ناروا» بپوشند و فروج خود را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی «جسم و جان» شما اصلح

است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است).

- یا ایها الذین امنوا لاتدخلوا بیوتاً غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی اهلها... [نور/۲۷]: (ای اهل ایمان هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا از صاحبش انس و (اجازه) ندرید، وارد نشوید و چون رخصت یافته داخل شوید، به اهل آن خانه نخست سلام کنید).

- واعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربى و الیتیمی و المساکین و الجار ذی القربى و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم... [نساء/۳۳]: (خدای بکتارا بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه که بیگانه است و دوستان موافق و رهگذران و بندگان و پرستاران که زیر دست شمایند، نیکی و مهربانی کنید...).

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه کریمه می‌فرماید: «مراد از جار ذی القربى همسایه نزدیک است و مراد از جار الجنب (همسایه اجنبی) همسایه‌ای است که خانه‌اش دور باشد. در روایتی از پیغمبر (ص) حدود همسایگی را تا چهل ذراع و در روایتی دیگر تا چهل منزل روایت شده است. شاید این دو روایت یکی نظر به همسایه نزدیک و دیگری به همسایه دور نظر داشته است [۱۹].»

پاسخگویی به این آیات ایجاب می‌نماید که زمینه ایجاد ناهنجاریها و اعمال منع شده بوجود نیاید. فی المثل امکان مشرف بودن منازل به یکدیگر به حداقل برسد و امکان ایجاد مزاحمت‌های صوتی یا تجسس از احوال دیگران نیز از بین برود. لحاظ نمودن این امور مستلزم تدوین مقررات و ضوابطی در معماری منازل و رابطه فضایی آنها با ابنیه همجوار اعم از مسکونی و غیر مسکونی و فضاهای باز شهری از جمله معابر و میادین است.

۵.۳. صلۀ رحم

صلۀ رحم از ارزشها و رفتارهای توصیه شده در تعالیم اسلامی است که توجه به آن می‌تواند بر تحکیم روابط اجتماعی و وحدت جامعه تأثیر بگذارد. این آیات قرآن

کریم را می‌توان در اهمیت توجه به صلۀ رحم در جامعه اسلامی ذکر کرد:

-... واتقوا الله الذي تسائلون به والارحام ان الله كان عليكم رقيبا [نساء/۱]: (... و بترسید

از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید (خدا را در نظر آرید) و دربارهٔ ارحام کوتاهی نکنید که همانا خدا مراقب اعمال شماست).

- و اعبدوا الله ولا تشركوا به شيئاً وبالوالدين احسانا وبذی القربى [نساء/۳۶]: (خدای

یکتا را بپرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان مهربانی کنید).

در مذمت قطع رحم همان بس که خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: والذین ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و يقطعون ما امر الله به أن يوصل و يفسدون في الارض اولئك لهم اللعنه و لهم سوء الدار [رعد/۲۵]: (آنانکه پس از پیمان بستن عهد خدا را شکستند و هم آنچه را خدا به پیوند آن امر کرده بگسستند و در روی زمین فساد و فتنه برانگیختند. اینان را لعن خدا و منزلگاه عذاب دوزخ نصیب است).

در پاسخ به این ارزش و توصیه مهم اسلامی توجه به اصول حاکم بر مجتمعهای فامیلی و محله‌بندی مناسب شهر و همچنین تسهیل دسترسی و فراهم آوردن مکانهای تجمع و هر آنچه که بتواند امکان تماس بین اقربا را فراهم نماید توصیه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز ملی تحقیقات اسلامی

۶. صفات محیط مصنوع

این صفات که فی الواقع قابل ذکر در مبحث اصول و ارزشها بودند، به جهت ارتباط مستقیم تری که با دستورالعملهای طراحی و ساخت محیط مصنوع دارند در بحثی جداگانه مطرح شده و آیات مربوط گردآوری گشته‌اند. در این مبحث، دستورالعملهایی که به هنگام طراحی و برنامه‌ریزی بایستی مد نظر قرار گیرند تا کالبد و فضا و محیط حاصل، رنگ و بو و هویتی اسلامی بیابند، مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۶.۱. اصلاح زمین

۲۹

یکی از وظایفی که برای انسان تعیین شده است، اصلاح در زمین می‌باشند.

... اعبدا و الله مالکم من اله غیره هو انشأکم من الارض واستعمرکم فیها... [هود/۶۱]:
(خدای یگانه را که جز او خدایی نیست پرستش کنید که شما را از خاک بیافرید و
برای عمارت و آباد ساختن زمین برگماشت...).

بنابراین ایجاد و توسعه شهرها همواره بایستی صبغه‌ای از اصلاح و آبادی داشته
و از فساد و تباهی بری باشد. هدایت اشیا و مفاهیم و در نهایت هدایت انسان به سمت
تکامل یکی از وجوه این اصلاح می‌باشد. شهر و فضایی که در تکامل و تعالی انسان
خلل ایجاد نماید و به عبارت دیگر به صالحتر شدن او کمک نکند نمی‌تواند به عنوان
شهر و فضای اسلامی تلقی شود.

۶.۲. هویت

بحران هویت یکی از مشکلات جدی انسان در جهان معاصر و بویژه برای جوامع
جهان سوم و به خصوص ممالک اسلامی است. شهرها و عمارات یکی از شاخصه
مهم بیان و نمایش هویت تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و جوامع انسانی هستند. یکی از ویژگی‌های
شهرها سیمای ظاهریشان است که می‌توان از آن به عنوان یکی از شاخصهای معرفی
هویت شهر و در نتیجه هویت اهل آن نام برد. آیاتی از قرآن کریم نیز بر این نکته اشاره
می‌فرمایند که سیمای ظاهری می‌تواند بیانگر هویت و درون صاحب آن سیما باشد.
... و علی الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم [اعراف/۴۶]: (... و بر اعراف مردانی
است که همه به سیمایشان شناخته می‌شوند...).

- و یعرف المجرمون بسیماهم... [رحمن/۴۱]: (بدکاران به سیمایشان شناخته
شوند...).

بنابراین می‌توان گفت که یکی از راههای احراز هویت شهرها و بالنتیجه تمدن
مسلمین استحاله سیمای عمومی شهرها و عماراتشان به سمت سیمایی متمایز از
سیمای بلاد غیر مسلمان است.

۶.۳. عبرت

عبرت‌گیری از آثار و اعمال پیشینیان و دیگر تمدنها و هر آنچه که در اطراف انسان وجود دارد، یکی از موضوعات مورد توجه تعلیمات قرآنی بوده و مسلمین و همه انسانها به آن توصیه شده‌اند:

اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا اشد منهم قوۃ و اثاروا الارض و عمروها اکثر مما عمروها... [روم/۹]: (آیا در زمین سیر نکردند تا عاقبت کار پیشینیان‌شان را که از اینها بسیار توان‌تر بودند و پیش از اینها در زمین کشتزار و کاخ و عمارت برافراشتند، مشاهده کنند).

یکی از مناسبترین و بهترین و کارآترین مکانها که می‌توانند آثار گذشتگان و عواقب اعمال و مشی زندگی آنها را به نمایش بگذارد، محیط زندگی و شهرهاست. این عبرت دادن و عبرت‌گیری نیازی به محصور شدن پدیده‌ها در موزه‌ها ندارد و بایستی در متن زندگی مردم جاری و ساری بوده و به عنوان یک عنصر متذکر عمل نماید. فی الواقع این عبرت‌گیری را در نمایش تداوم تاریخی شهر و محیط زندگی می‌توان به منصه ظهور رساند. توجه به تداوم تاریخی شهرها سبب خواهد شد تا جامعه، خویش را گسسته و جدای از تمدن و تاریخ خویش احساس ننماید. علاوه بر آن این عمل می‌تواند عاملی در جهت حفظ هویت شهر و شهروندان و همچنین تقویت احساس تعلق به وطن باشد. جملگی این عوامل در حفظ شهروندان در مقابل بروز و رشد از خود بیگانگی و احساس غربت، مشکلاتی که انسان معاصر را بشدت تهدید می‌کند، نقشی ارزنده ایفا می‌نماید.

نکته مهم در عبرت‌گیری این نیست که "کالبد" و "جسد" گذشته حفظ و تکرار شود، بلکه مراد اصلی این است که اصول و مبانی حسنه و هماهنگ با حیات معقول انسانی شناخته و تقویت شوند و بالعکس مبانی و جلوه‌های ناهماهنگ با انسان و نیازهای روز او نیز شناسایی و حذف شوند.

۶.۴. اجتناب از لغو و بطلالت

انجام هر عمل و همچنین ایجاد هر شیء لغو و باطل و بیهوده جنبه‌ای از فساد در

زمین و اسراف است و این صفتی است که طبق تعالیم قرآنی مسلمین بایستی از آن اجتناب ورزند.

قد افلح المؤمنون * الذین هم فی صلواتهم خاشعون * و الذین هم عن اللغو معرضون [مؤمنون/۱-۳]: (همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند* آنانکه در نماز خاضع و خاشع هستند* و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض می‌کنند).

بنابراین، یکی از اصولی که باید مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد اجتناب از لغو و بطلالت و بیهودگی است [۲۰]. هر فضا و عنصری که در شهر ایجاد می‌شود بایستی بگونه‌ای هدفمند در خدمت انسان و رشد و تعالی او باشد و نه تنها بر ضد اینها عمل نکند که حتی حالتی خنثی نیز به خود نداشته باشد تا صبغه‌ای از اسراف به خود نگیرد.

۶.۵. اجتناب از تفاخر و تفرعن

استکبار و فخر فروشی اولین گناهی که پس از خلقت آدم (ع) و توسط شیطان به وقوع پیوست، از صفاتی است که مسلمین از آنها به شدت نهی شده‌اند:

... ابی و استکبر و کان من الکافرین [بقره/۳۴]: (... شیطان سرپیچی کرد و از کافران گردید).

علاوه بر این آیات دیگری نیز بر مذمت این صفت زشت دلالت دارند، از جمله: ان الله لایحب من کان مختالاً فخوراً (خدا مردم خودپسند متکبر را دوست ندارد).

از این آیات می‌توان چنین استنباط نمود که ترک این صفات مذموم نه تنها در گفتار و اندیشه که در اعمال انسانی نیز بایستی مدنظر مسلمین قرار گیرد. شهر و محل زندگی انسان می‌توانند، به عنوان یکی از مهمترین تجلیگاههای این صفات باشند. خانه یا عمارت و یا محله‌ای از شهر که به فرد یا گروهی خاص اختصاص دارد، بایستی بدان گونه طراحی و ساخته شوند که نشانی از تفاخر و تفرعن ساکنین را به

ذهن ناظر متبادر سازند و این همان پدیده‌ای است که تفکر فردگرایانه^(۱) حاکم بر معماری و شهرسازی جدید به شدت مروج و مبلغ آن است [۲۱].

۶.۶. اجتناب از فساد

آیاتی از قرآن انسان را از فساد در زمین نهی فرموده و آن را زشت و ناپسند معرفی می‌نمایند، از جمله:

ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها... [اعراف/۵۶]: (هرگز در زمین پس از آنکه کار آن به امر حق، نظم و صلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید...).

قرآن کریم زمین را به صفاتی که در پی می‌آید، متصف ساخته است:

مکان و وسیله زندگی: ولقد مکنناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش... [اعراف/۱۰]: و همانا ما شما را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی از هر گونه نعمت مقرر کردیم...).

محل اقامت و سکونت: ... ولکم فی الارض مستقر و متاع الی حین [بقره/۳۶]: (و برای شما در زمین تاروز مرگ آرامگاه و آسایش خواهد بود).

وسیله استراحت: الم نجعل الارض مهادا [نبا/۶]: (آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم).

آسایشگاه عمومی: الذی جعل لکم الأرض فراشا... [بقره/۲۲]: (آن خدایی که برای شما زمین را گسترده).

نعمت الهی: و الارض فرشناها فنعم الماهدون [ذاریات/۲۷]: (و زمین را بگسترده و چه نیکو مهدی بگسترده).

بنابراین اگر مکانی بخواهد واجد این ویژگیها گردد، بایستی عاری از هرگونه فساد باشد و بدیهی است که شهر به عنوان مکان زندگی انسان به طریق اولی باید محل اصلاح و نعمات الهی و نهایتاً در سیر کمال انسان و به دور از هرگونه فساد یا نمودی

از فساد و تباهی در زمین باشد.

۳۳

اجتناب از فساد در شهرسازی را می‌توان در بسیاری زمینه‌ها و از جمله مقولات زیر جستجو نمود: اجتناب از هر آنچه که به گمراهی انسان بیانجامد و نیز هر آنچه که به تباهی روحی و جسمی انسان کمک کند؛ نظیر انواع آلودگی‌ها که ممکن است شهرها مولد آن باشند. این آلودگی‌ها اعمند از آلودگی‌هایی که به مادیت (کالبد) و معنویت (روح) انسان و محیط و طبیعت لطمه وارد کنند و همچنین اعمالی که به اسراف و لغو و بطلالت منتهی شده و ضد اصلاح باشند.

۶.۷. اجتناب از اسراف

اسراف یکی از صفات مذمومی است که در همه اعمال انسان می‌تواند بروز نماید و تعلیمات اسلامی، مسلمین را به شدت از آن نهی فرموده است تا جایی که صریحاً می‌فرماید: **ولا تسرفوا انه لا یحب المسرین** [انعام/۴۱]: (و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد).

نیز می‌فرماید: **... وان المسرین هم اصحاب النار** [مؤمن/۴۳]: (... و البته مسرفین در آنجا همه اهل آتش دوزخند).

ولا تطیعوا امر المسرین * الذین یفسدون فی الارض ولا یصلحون [شعراء/۱۵۲-۱۵۱]: (و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید* که آن مردم در زمین همه گونه فساد میکنند و هیچگونه به اصلاح نمی‌پردازند).

ملاحظه می‌شود که اسراف علاوه بر همه معایبی که دارد، صریحاً فساد در زمین و ضد اصلاح زمین معرفی شده است. این صفت مذموم همچنین زمینه‌ساز و نیز نتیجه برتری جویی و استکبار و تفرعن است؛ چنانچه در مورد فرعون آمده است: **... وان فرعون لعال فی الارض و انه لمن المسرین** [یونس/۸۳]: (و فرعون در زمین بسیار علو و سرکشی داشت و او از مسرفین بود).

تجلی اسراف در شهرسازی و معماری را در این امور می‌توان مشاهده کرد: ایجاد ابنیه و فضاها و عناصر بی‌استفاده و یا کم‌استفاده؛ بنا کردن ابنیه چشم‌پرکن بالاخص

در مورد ابنیه با عملکرد مادی؛ بنا کردن ابنیه‌ای برای تفاخر و علو در برابر بندگان خدا و بسیاری موارد دیگری که شهرهای جهان معاصر شاهد آنها هستند.

۷. عناصر شهری و معماری

در هر شهر و در هر عمارتی، عناصر بسیاری وجود دارند که هر کدام به طور مستقل و نسبت به سایر عناصر، هویت و ویژگیهای خاص خود را نیز طلب می‌نمایند. فی‌المثل مختصات و ویژگیهای مسجد با مسکن متفاوت خواهند بود. به هر حال سعی بر این است تا در این قسمت آیاتی که به عناصر شهری یا معماری اشاره داشته و یا می‌توان از آنها در تبیین مختصات این عناصر بهره گرفت، به عنوان راهنمای مطالعات بعدی معرفی شوند.

۷.۱. مسجد

در مورد مسجد سخن بسیار می‌توان گفت؛ لکن چون این مقاله تنها بر بهره‌گیری از آیات کتاب الهی محدود است، تنها به برخی نکات اشاره می‌شود:

اولین خانه: خداوند تبارک و تعالی در کتاب مجیدش می‌فرماید: ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركاً وهدى للعالمين [آل عمران ۹۶]: بدانید اول خانه‌ای که برای مکان عبادت خلق بنا شده همان خانه مکه است. آن خانه برای مردم خیر بسیار دارد و سبب هدایت عالمیان است).

این آیه مشخص می‌کند که اولین بنایی که به فرمان حضرت احدیت در جهان برای عبادت برپا شد، همان خانه کعبه است که آدم (ع) پس خلق شدن و هبوط به زمین به فرمان الهی آن را بنا کرد. لذاست که با عنایت به مقام خلیفة‌اللہی انسان در زمین، می‌توان نتیجه گرفت که اولین بنای هر مجموعه مسکونی باید محلی برای عبادت (مسجد) باشد. به عبارت دیگر مسجد باید اولین بنایی باشد که در هر مکان جدید التأسیس مسلمین بنا می‌گردد. این اصل را می‌توان به محلات و نواحی و شهرکها و توسعه‌های جدید شهری تعمیم داد. ظرفیت هر مسجد و جمعیت استفاده

کننده از هر مسجد و همچنین فواصل مساجد از یکدیگر به همراه موقعیت ساختمان مسجد نسبت به سایر عملکردهای شهری و آداب و رسوم محلی، معلوم می‌دارد که مسجد در چه محدوده مکانی و زمانی باید احداث شود [۲۲].

تسلط بر سایه ابنیه: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذکر فیها اسمہ یسبح له فیها بالغدو والاصال [نور/۳۶]: (در خانه‌هایی که خدا رخصت داده، رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند).

این آیه شریفه رفعت بنای مسجد را بر سایر ابنیه موجود در مجتمع روا می‌شمارد. این رفعت اعم از رفعت معنوی و روحانی و رفعت فیزیکی و مادی است. از این آیه شریفه می‌توان چنین استنباط کرد که کالبد مسجد بایستی تسلط روانی و فیزیکی خویش را بر محیط مصنوع (عمارات و شهر) بالاخص ابنیه‌ای که محل فعالیت‌های صرف مادی هستند، حفظ نماید. به عکس شهرهای امروزه که با کمال تأسف این نقش را به ابنیه اقتصادی و بویژه "بانکها" داده‌اند و اهل شهرها همواره خویشتن را تحت سیطره پول و سرمایه حس می‌کنند.

در مورد عمارت مسجد بسیاری عوامل دیگر از جمله سلسله مراتب بین بیرون و درون، معانی نمادین، جهتگیری، ارتباط با سایر عملکردها و ابنیه شهری، موقعیت و حتی کسانی که مجاز به بنا و تعمیر آن می‌باشند، مطرح است که مطالعه در آنها به منابع دیگر ارجاع می‌گردد [۲۳].

۷.۲. مسکن

در مورد مسکن موضوعات متنوع و مختلفی مطرح است. آیات قرآن کریم به برخی از آنها اشاره دارند که اینک به آنها پرداخته می‌شود.

محل آرامش: قرآن مسکن را محل آرامش می‌خواند: **والله جعل لکم من بیوتکم مسکناً...** [نحل/۸۰]: (و خدا برای سکونت دائم شما منزلهایتان را قرار داد....).

این آیه نشان می‌دهد که مکان‌یابی مسکن در شهر امری حساس است. به بیان

دیگر، توجه به این اصل در مکان‌یابی مسکن در شهر و رابطه و همجواری آن با عملکردهای پر سروصدا و مولد آلاینده‌ها همچون کارخانه‌ها و معابر اصلی و نظایر آنها و هر آنچه که به آرامش انسان خدشه وارد نماید، نقش مهمی ایفا می‌کند. این امر همچنین به نوع استفاده از مصالح و استقرار فضاهای داخلی و رابطه آنها با یکدیگر تأثیر دارد.

آفتابگیری مناسب: در قرآن در خصوص غار اصحاب کهف آمده است: وتری الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات اليمين و اذا غربت تقرضهم ذات الشمال و هم في فجوة منه ذلك من آيات الله... [کهف/۱۷]: (و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی که هنگام طلوع از سمت راست غار آنها بر کنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان دور می‌گردید و آنها کاملاً از حرارت خورشید در آسایش بودند این حکایت یکی از آیات الهی است...).

آیه نشان می‌دهد که جهت‌گیری ابنیه به نحوی که بتواند بهره مناسب را از آفتاب و نور خورشید ببرند، اهمیت دارد.

رعایت حقوق همسایگان: زمینه رعایت حقوق همسایگان نیز از اموری است که توسط طراح مسکن باید مورد توجه قرار گیرد. به بیان دیگر، طراح مسکن بایستی به ایجاد محیطی بیندیشد که در آن زمینه تخصیص آگاهانه و ناآگاهانه حقوق همسایگان توسط ساکن از بین برود.

محل ذکر: علامه طباطبایی (ره) بیان می‌کند: «خانه‌ای که ذکر خدا در آن بسیار شود، برکتش بسیار می‌شود و ملائکه در آن خانه حاضر و شیطانها از آن دور می‌گردند و آن خانه برای اهل آسمانها آنچنان درخشنده است که ستارگان برای اهل زمین» [۲۴].

اگر چه این بیان به اهل ذکر بودن اهل خانه اشاره دارد، لکن باید توجه داشت که نوع و سبک معماری و جزییاتی که در خانه بکار می‌رود، می‌توانند و باید حالت تذکر و یادآوری را در اهل خانه بوجود آورده و آن را تقویت کنند.

۷.۳. نشانه‌ها

بدون ورود به مباحث مرتبط با مفاهیمی چون نشانه و رمز و سمبل و نماد، تنها به این نکته اشاره می‌شود که در تعالیم اسلامی، نشانه‌ها یا "آیات" نقش مهمی در معرفی و ترویج حقایق و هدایت مردم ایفا می‌نمایند و بر همین اساس راهها و فضاها و عناصر شهری هر کدام بایستی حاوی نشانه‌هایی باشند که مردم را به سمت ارزشها هدایت نموده و به آنها متذکر گردند.

۷.۴. رنگ

رنگها از موضوعاتی هستند که تأثیر زیادی بر انسان و روحیات او دارند. در اینجا نیز بدون آنکه قصد اثبات و یا نفی رنگ خاصی برای همه عمارات و شهرها در میان باشد، فقط تأکید می‌شود، در طرحها و برنامه‌ها به دست غفلت سپرده نشود.

- رنگ می‌تواند عاملی در ایجاد سرور و شادمانی در انسان باشد: چنانکه خداوند در معرفی گاو بنی اسرائیل فرمود: ... لونها تسر الناظرین [بقره/۶۹]: (... رنگ آن بینندگان را فرحبخش است).

- برخی رنگها، رنگهایی هستند که زیبا و دارای معانی نمادین و یادآور ارزشهای مطلوب خواننده می‌شود. لذاست که با توجه به مجموعه آیات مشخص می‌شود که رنگها، به دلیل تأثیرات متفاوتشان بر روان انسان می‌توانند در ایجاد روحیه و خلق و خو و رفتار متفاوت در انسانها اثر بگذارند؛ بنابراین توجه به آنها در طراحیها و رنگ‌آمیزی کل شهر یک ضرورت است.

بر این موارد می‌توان افزود، معانی نمادینی را که هر کدام از رنگها در فرهنگهای متفاوت و از جمله فرهنگ اسلامی با خود حمل و به ناظر منتقل می‌نمایند.

از همه اینها که بگذریم، یکی از مهمترین وظایف مسلمین شناسایی و ترویج "رنگ الهی" است. خداوند تبارک و تعالی فرموده است: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ [بقره/۱۳۸]: (رنگ‌آمیزی خداست که به ما مسلمانان رنگ

فطرت ایمان و سیرت توحید بخشیده است. هیچ رنگی خوشتر از ایمان به خدای یکتا نیست و ما او را بی هیچ شائبه شرک پرستش می‌کنیم).

۸. نتیجه

با عنایت به آنچه که گذشت نکات و موارد زیر مشخص شد:

- با بهره‌گیری و غور و تفحص در آیات قرآن، امکان استخراج و تدوین اصولی برای تعریف رابطه انسان و محیط و روابط انسانها با یکدیگر در محیطهای ساخته شده شهری فراهم است که این اصول نهایتاً می‌توانند طراحی و برنامه‌ریزی شهرها را به سمت ایجاد محیطی اسلامی هدایت نمایند.

- در جهت به منصفه ظهور رساندن اصول و ارزشهای مورد تأکید و توجه قرآن "محیط زندگی و شهر" نقشی مهم ایفا می‌نماید که این نقش با بکار بستن آیات قرآن در طراحی و ساخت محیط و اجزاء آن تقویت می‌شود.

- آیات قرآن برای طراحی و ساخت محیط زندگی جزئیاتی را که مربوط به امور فنی و تکنیکی هستند (به ظاهر) معرفی نمی‌نماید؛ لکن اصولی را مطرح می‌کند که این اصول بایستی در تمام شئون زندگی انسان و از جمله ساخت شهر و محیط زندگی لحاظ گردند. این لحاظ نمودن، سبب خواهد شد تا علیرغم اینکه شهرهای مسلمین در نقاط جهان و در شرایط اقلیمی متفاوت و امکانات و مصالح گوناگون بنا می‌شوند. دارای روح و هویت مشترک و واحدی باشند.

- تبیین مبانی نظری شهرسازی اسلامی بر اساس تعالیم قرآنی یک ضرورت است. از این مبانی نظری در صورت تدوین شدن، معیارهایی قابل استخراج خواهند بود که چنانچه در دسترس عموم بویژه طراحان و برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان قرار گیرد، امکان ارزیابی طرحها و برنامه‌ها، بافتهای شهرهای تاریخی و متاخر، و ایده‌ها و الگوهای وارداتی فراهم خواهد شد.

- اصلاح و استحاله جنبه‌های مختلف الگوی زیست به سمت الگوهایی که امکان

نمایش و رعایت ارزشهای اسلامی و قرآنی جامعه را فراهم نمایند، یک ضرورت است. در این راه بازگشت به فرهنگ قرآنی، محور خود بیگانگی، رفع احساس حقارت در مقابل بیگانه و تکیه و مباحثات به فرهنگ قرآنی توجه جدی را طلب می‌نمایند.

- خلاصه اینکه با عنایت به صفاتی که در کلام الهی برای شهر ذکر می‌گردد، امکان و لزوم وجود شهر اسلامی روشن می‌شود.

منابع

۱. نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، سیدعلینقی، کلاله خاور، تهران ۱۳۵۱، ص ۱۲۳۵، کلمات قصار ۳۱۵
۲. کلینی رازی (ره)، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، ۱۳۴۸، اصول کافی، ج ۱، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، تهران، ص ۷۸.
۳. همان، ج ۱، ص ۷۶.
4. Naghizadeh, Mohammad. 1995. Principles of the Contemporay isamic Urban Design The University Elimination of Conflicts in Muslim Bulit Environments. Unpublished PhD Thesis The of New South wales. sydney.
۵. نقی زاده، محمد؛ الف- سیمای مدینه منتظران، دومین اجلاس دو سالانه بررسی وجودی حضرت مهدی (عج)، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ۱۳۷۷ و Naghizadeh, 1995.
۶. نهج البلاغه، ص ۹۷۹، نامه ۴۷.
۷. طباطبایی (ره)، [علامه] سیدمحمد حسین، تفسیر شریف المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، دارالعلم، قم، بی تا و مطهری، (شهید) مرتضی؛ ده گفتار، صدرا، قم، ۱۳۹۸ ق.
۸. بورکهاردت، تیتوس؛ نقش هنرهای زیبا در نظام آموزشی اسلام، ترجمه و گردآوری سیدمحمد اویسی، جاودانگی و هنر- برگ، تهران، ۱۳۷۰، ص ۳۶.
۹. رجوع کنید به Naghizadeh, 1995 و نقی زاده، ۱۳۷۶ الف.
10. Aminzadeh, B.G. The concept of unily in islamic Religious. Unpublished phd Thesis. The University of New South Wates. sydney 1995 و نقی زاده، ۱۳۷۰.

۱۱. برای مطالعه در بهره‌گیری از صفات فعل الهی رجوع کنید به: Naghizaden, 1995.
۱۲. جعفری، (علامه) محمدتقی (ره)؛ زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۱۳. تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۱۶۷، نیز رجوع کنید به ج ۵، صص ۱۹۰-۲۰۷، ذیل آیات ۱۸-۱۰ سوره آل عمران.
۱۴. همان، ج ۲۹، ص ۲۱۶، ذیل آیات ۵۷-۴۷ سوره نور.
۱۵. رجوع کنید به همان، ج ۹، ص ۵۰، ذیل آیات ۹۱-۸۵ سوره نساء و نهج البلاغه، صص ۱۹۸-۱۹۷.
۱۶. نقی‌زاده، محمد؛ الف- مختصات نظم در شهرسازی اسلامی، سمینار بین‌المللی شهرها و مردم، دانشگاه تبریز، تبریز ۱۳۷۶ و Naghizadeh, 1995.
۱۷. نهج البلاغه، ص ۵۲۲.
۱۸. صدر، (شهید) محمدباقر؛ انسان مسئول و تاریخ‌ساز از دیدگاه قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، بنیاد قرآن، تهران، ۱۳۵۹ و Naghizadeh, 1995.
۱۹. تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۱۹۵ (ذیل آیات ۴۲-۳۶ سوره نساء).
۲۰. پیرنیا، محمدکریم؛ شیوه‌های معماری ایرانی، مؤسسه نشر هنر اسلامی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۱. نقی‌زاده، محمد؛ سرچشمه ارزشهایی که نوسازیها باید محمل و تجلیگاه آنها باشند، سومین کنفرانس بین‌المللی بازسازی مناطق جنگزده، ۱۳۷۵، تهران و همو؛ ب- مقدمه‌ای بر شناسایی معضلات طراحی در بساقتهای تاریخی شهرها، مجموعه مقالات سمینار تخصصی بساقتهای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۶.
۲۲. در مورد ارتباط مسجد با شهر و سایر عملکردها رجوع کنید به: Naghizaden, 1995 و نقی‌زاده، ۱۳۷۶.
۲۳. پیرنیا، محمد کریم؛ آشنایی با معماری اسلامی ایران، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۷۲ و نقی‌زاده ۱۳۷۶ ب و Noghizadeh, 1995 و توجید مفضل، ترجمه ملا محمدباقر مجلسی، انتشارات فقیه، تهران، ۱۳۵۹.
۲۴. تفسیر المیزان، جلد ۳۲، ص ۲۰۹.